یادداشت:
مهدی آیینی
دبیر گروه جامعه

مزایده‌ای برای نفوذ به جنگل‌های هیرکانی

جنگلی که آفت در آن موج می‌زند؛ جنگلبانانی که ماه‌هاست حقوق نگرفته‌اند؛ قاچاقچیانی که چوب درختان جنگلی را با تضمین تحویل در محل می‌فروشند و عده‌ای که تبرهایشان را برای نفوذ به جنگل تیز می‌کنند، این خلاصه‌ای است از وضعیت این روزهای جنگل‌های شمال کشور؛ جنگل‌هایی که به دلیل ندانم‌کاری برخی مسؤولان هرسال وسعت‌شان آب می‌رود.

آخرین خبرها درباره جنگل‌های هیرکانی از قوت گرفتن زمزمه‌های نفوذ به این جنگل‌ها حکایت دارد، آن‌طور که علی‌محمد شاعری، عضو کمیسیون کشاورزی مجلس گفته سازمان جنگل‌ها در حال فراهم کردن مقدمات برگزاری مزایده‌ای برای بهره‌برداری از درختان افتاده در جنگل‌هاست؛ اتفاقی که بدون شک با شرایط کنونی راه نفوذ به جنگل و تخریب آن را فراهم می‌کند.

اواخر سال ۹۵ بود که سرانجام پس از سال‌ها تلاش قانون توقف بهره‌برداری تجاری از جنگل‌های شمال (طرح تنفس جنگل) به تصویب رسید و برای این‌که آسیب بیشتری به این جنگل‌های باستانی تحمیل نشود، بهره‌برداری از درختان شکسته و افتاده نیز ممنوع شد.

با این حال اما از مجلس خبر می‌رسد که قرار است این ممنوعیت قربانی لابی‌های سیاسی شده و راه نفوذ به جنگل دوباره باز شود.

خارج کردن درختان شکسته و افتاده از جنگل و انجام اقدامات بهداشتی در جنگل کاری ضرورتی است که نمی‌توان انکارش کرد، اما شرایط حفاظت از جنگل‌های کشور به شکلی است که این اقدام راه را برای تخریب بیشتر جنگل باز می‌کند؛ تجربه نشان داده که نظارت بر فعالیت بهره‌برداران در جنگل به‌درستی صورت نمی‌گیرد و سازمان جنگل‌ها توانایی لازم را در این خصوص ندارد؛ به همین دلیل برخی بهره‌برداران، درختان سالم جنگل را نیز تخریب می‌کنند تا بخشکند و به عنوان درختان بیمار آنها را از جنگل خارج کنند.

این درحالی است که تاکنون تحقیق جامعی نیز درباره حجم درختان شکسته و افتاده جنگل و ارزش اقتصادی آنها صورت نگرفته و کم نیستند کارشناسانی که مقدار درختان افتاده و شکسته جنگل را ناچیز می‌دانند و تاکید می‌کنند این درختان نمی‌توانند نیاز کارخانه‌های وابسته به چوب را فراهم کنند.

افزون بر این نمی‌توان هر درخت افتاده و شکسته‌ای را آفت محسوب کرد، زیرا این درختان به نوعی جامعه‌ای خرد را در جنگل تشکیل می‌دهند و برای بسیاری از گونه‌های جانوری مفید محسوب می‌شوند.

بنابر این باتوجه به شرایط شکننده جنگل‌های کشور و این‌که براساس قانون بدون ارائه طرح نمی‌توان برای بهره‌برداری به جنگل پا گذاشت، بهتر است مسؤولان از راهکارهای دیگر برای تامین نیاز کارخانه‌های چوب استفاده کنند؛ اقداماتی مانند زراعت چوب و تسهیل روند واردات چوب و خمیرکاغذ.

خبر

مهلت یک‌ساله به دانشجویان مشمول سربازی

سازمان وظیفه عمومی ناجا با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد: دانشجویان مشمول از تاریخ فراغت، انصراف، اخراج یا ترک تحصیل حداکثر یک سال فرصت دارند تا وضعیت خدمتی خود را تعیین تکلیف کنند.

به گزارش جام‌جم، براساس این اطلاعیه برابر تبصره (۱) ماده (۳۳) قانون خدمت وظیفه عمومی، حداکثر معافیت تحصیلی در مقطع تحصیلی کاردانی دو و نیم سال، کارشناسی ناپیوسته وکارشناسی ارشد ناپیوسته سه سال، کارشناسی پیوسته پنج سال وکارشناسی ارشد پیوسته شش سال، دکترای پیوسته هشت سال و دکترای تخصصی شش سال است.

دانشجویان مقاطع مختلف دانشگاهی که در سنوات اولیه تحصیلی موفق به فراغت از تحصیل نشده‌اند، درصورت موافقت کمیسیون موارد خاص دانشگاه و تایید وظیفه عمومی، حداکثر دو ترم تحصیلی؛ مجوز سنوات ارفاقی به صورت مرحله‌ای برای آنان از طریق دفاتر (پلیس+۱۰) شهرستان محل تحصیل صادر می‌شود.

کاهش مستمری مددجویان بهزیستی

وحید قبادی دانا، رئیس سازمان بهزیستی کشور با اشاره به این‌که مستمری مددجویان این سازمان با توجه به تورم و کاهش ارزش پول ملی به یک‌سوم قبل کاهش یافته است، گفت: در سال آینده ۱۰ درصد قانون حمایت از معلولان اجرایی می‌شود.

وی در مورد بودجه سال آینده سازمان بهزیستی افزود: پیشنهاداتی که در رابطه با بودجه سال ۹۸ بهزیستی برای ارائه خدمات به جامعه هدف مطرح شده هم در لایحه و هم در کمیسیون تلفیق خوب بوده است اما با توجه به نیاز جامعه هدف و آنچه ما احتیاج داریم کم است. قبادی دانا با اشاره به این‌که تنگناها و کاستی‌ها زیاد هستند، عنوان کرد: برخلاف این‌که مبلغ مستمری‌ها در دولت دوازدهم سه برابر افزایش یافته است اما با توجه به تورم و کاهش ارزش پول ملی، مبلغ مستمری‌ها به یک‌سوم قبل کاهش یافته و همین موضوع جامعه هدف ما را دچار مشکل کرده و آنها تحت فشار هستند./ مهر

بعد از انقلاب، نیکوکاران در سراسرکشور بیش از ۱۱۰ هزار کلاس درس ساخته‌اند

ایران، مدرسه شد

مریم خباز
جامعه

دنیای خیرین مدرسه‌ساز شبیه دنیای هیچ‌کسی نیست؛ چه قدر مرز برایشان بی‌معناست! اینها گاهی می‌شوند خیرانی که برای بچه‌های آواره روهینگیا در بنگلادش مدرسه ایرانی می‌سازند و گاهی می‌شوند برندرز، جهانگرد و کوهنورد آلمانی که ۱۲ سال پیش برای بچه‌های روستای لمای ما در دنا مدرسه ساخت و نامش را گذاشت الیزابت، به نام دخترش. مرزها در نوردیده و مدرسه‌ها ساخته می‌شوند، پا می‌خورند و کهنه می‌شوند و دوباره طعم تیشه تخریب را می‌چشند درحالی که نام‌ها می‌مانند و خاطره می‌شوند.

نسل خیرین مدرسه‌ساز ۲۰ سال است که رسما در ایران متولد شده و این نسل سال به سال تکثیر می‌شود و امروز باید نوشت جمعیت‌شان ۶۵۰ هزار نفر است که تازه هزار خیر ایرانی دور از وطن نیز هستند که به این آمار اضافه می‌شوند و هر سال از اقصی نقاط جهان عزمشان را جزم می‌کنند برای مدرسه‌سازی در وطن.

این جماعت چند صد هزار نفره سالهاست که مدرسه می‌سازد و روزگاری بس طولانی است که پولی که وسط می‌گذارند پهلو می‌زند به سهمی که دولت‌ها برای مدرسه‌سازی کنار می‌گذارند. سال ۷۸ خیرین چهار میلیارد تومان آوردند، سال بعدش ۹ میلیارد، سال بعدترش ۱۴ میلیارد، سال ۸۲، هفت میلیارد تومان بیشتر، بار دیگر ۳۳ میلیارد و سال ۹۱ که رکورد زده شد ۲۲۴ میلیارد تومان تا روند مشارکت خیرین مدرسه‌ساز سال به سال روبه جلو رفته و پسرفتی در کار نباشد.

کمبودهایی که می‌بینند

از هر استان و شهرستان یك خبر می‌رسد به فراخور حالش. از شهرآبادان این که ۱۲ مدرسه کم دارد، از لرستان که ۳۵۰۰ کلاس درسش نیازمند بازسازی است، از خوزستان که هنوز مدارس کانکسی دارد، از کبودرآهنگ که ۱۲ درصد مدارسش تخریبی است، از زنجان این که ۹۱۰ کلاس درس کم دارد و از تهران این که اوضاعش وخیم‌تر ازجاهای دیگر است و در ۲۱ شهرستان آن ۳۲۰۰ مدرسه است که ۴۲۰۰ شیفت تحصیلی دارند و معنایش می‌شود بیش از هزار مدرسه دو نوبته و کمبود همین تعداد فضای آموزشی. خیرین مدرسه‌ساز این کمبودها را می‌بینند که همیشه هستند و جا خالی نمی‌کنند. آنها در دو سال و نیم گذشته فقط در استان تهران ۲۱۵ مدرسه خیری ساخته اند و در سالی که گذشت ۱۶ میلیارد تومان برای مدرسه‌سازی در ایلام کنار گذاشتند. خیران امسال در خراسان جنوبی ۲۱ میلیارد تومان و در قزوین ۱۲ میلیارد برای مدرسه‌سازی تعهد کرده‌اند و آمارها می‌گوید در آذربایجان شرقی ۲۰۰۰ خیر فعال وجود دارد و ۴۰ درصد مدارس قم را نیکوکاران ساخته‌اند و در مازندران نیز این خیران هستند که در ۴۰ سال اخیر بانی ساخت ۶۲۶ مدرسه شده‌اند. آذر سال گذشته خبرش پیچید که یك نیکوکار تهرانی به تنهایی ۱۵۰ میلیارد تومان برای ساخت یك مجتمع آموزشی اختصاص داد و خیلی وقت است که دهان به دهان می‌چرخد سال پیش این جماعت نیك‌اندیش روی هم ۱۲۰۰ میلیارد تومان برای مدرسه‌سازی هدیه کردند. گرچه آمارها از زبان مسؤولان مختلف کمی با هم اختلاف دارند ولی تقریبا اتفاق نظر هست روی این نکته که خیران از وقوع انقلاب به این سو ۵۵ هزار مدرسه در کشور ساخته‌اند که به عبارتی می‌شود ۳۷ درصد از مدارس.

جبران کمبودهای دولتی

سال ۹۶ دولت برای ساخت مدرسه ۲۰۰ میلیارد تومان اعتبار در نظر گرفت که بعدا گفته شد این مبلغ به صورت کامل محقق نشد. مشکل دقیقا همین‌جاست که تعهدات دولتی برای ساخت مدرسه هیچ‌گاه تمام و کمال عملی نمی‌شود و خیران مدرسه‌ساز می‌مانند و سرمایه‌های شخصی، پروژه‌های مشارکتی خیران و دولت نیز می‌مانند معطل سهمی که دولت باید پای کار بیاورد. چندی پیش رئیس سازمان نوسازی مدارس کشور نیز این چرخه معیوب را تایید کرده و گفته بود که نرسیدن اعتبارات مناسب دولتی سال هاست پروژه‌های مشارکتی فراوانی را نیمه‌کاره گذاشته است. رخشانی مهر البته خبر خوشی هم دارد که مربوط است به لایحه بودجه سال آینده که درآن دولت تعهد کرده تا هزار میلیارد تومان برای پروژه‌های مشارکتی اختصاص دهد و به نوعی جبران مافات کند.

اما این رقم چه محقق شود و چه نشود و چه نیم‌بند پرداخت شود خیرین مدرسه‌ساز باز هم پای کار خواهند بود آنچنان که آمارها می‌گویند از سال ۵۷ تا ۹۶ نزدیك به ۲۱ هزار پروژه مردمی و مشارکتی در کشور اجرا شده که مشتمل بوده بر ۱۱۳ هزار و ۳۲۸ کلاس درس، آماری که وزیر آموزش و پرورش طور دیگری بیانش می‌کند و می‌گوید ازمجموع ۵۳۰ هزارکلاس درس در کشور بیش از ۱۱۰ هزار کلاسش را خیران ساخته‌اند. به همت این نیکوکاران است که سرانه فضای آموزشی در کشور به ازای هر دانش‌آموز که قبل از انقلاب یك متر و ۳۰ سانتی‌متر بود اکنون به پنج متر و ۵۰ سانتی‌متر رسیده است.

به این آمار ایمان داشته باشید، به این که براساس شاخص جهانی بخشش، کشورمان با ۴۵ امتیاز در رتبه ۱۷ جهان قرار دارد و این رتبه را مرهون فعالیت بی‌وقفه خیران است آن هم نه فقط درحوزه مدرسه‌سازی که درهمه حوزه‌ها که گفته می‌شود سال ۹۶ حدود ۴۶ هزار میلیارد تومان ارزش مالی داشته است.

وزیر آموزش و پرورش: ازمجموع ۵۳۰ هزارکلاس درس در کشور بیش از ۱۱۰ هزار کلاسش را خیران ساخته‌اند. به همت این نیکوکاران است که سرانه فضای آموزشی در کشور به ازای هر دانش‌آموز که قبل از انقلاب یك متر و ۳۰ سانتی‌متر بود اکنون به ۵ متر و ۵۰ سانتی‌متر رسیده است

مدرسه‌سازی، پایانی بر آسیب‌های اجتماعی

زهرا گیتی‌نژاد
بانی ساخت ۲۵۰ مدرسه در مناطق محروم

۱۲ سال قبل با ۱۲ میلیون تومانی که سهم من از ارثیه مادر مرحومم بود راهی استان خراسان جنوبی شدم. مقصد سفرم البته استان محروم سیستان و بلوچستان بود با هدف آموزش معلمان آن منطقه. درآن سفر از من خواسته شد از مدارس روستایی استان نیز بازدید کنم، بازدیدی که صحنه‌هایی از نشستن دانش‌آموزان روی زمین و تکه‌های گونی و درس خواندن در شرایطی غیراستاندارد را پیش چشمم آورد. حتی آغلی را دیدم که کلاس درس بچه‌های کوچك روستا بود. این صحنه‌ها مرا به فکر فرو برد به‌ویژه آن که درآن زمان به عنوان معلم در یکی از بهترین مدارس شهر تهران تدریس می‌کردم. همین عاملی شد تا به سمت استان خراسان جنوبی که آن زمان به‌تازگی به عنوان استانی مستقل هویت یافته بود بروم و ساخت مدرسه با ارثیه مادری را آغازکنم، یك مدرسه سه کلاسه و مشارکتی. من درهمه سال‌های خدمتم درکسوت معلم سعی کرده‌ام دانش‌آموزان معمولا متمولم را در مسیر مدرسه‌سازی سوق دهم که خوشبختانه موفق هم بوده‌ام. باور دارم ساخت مدرسه پایه و اساس است و اگر بتوانیم به عنوان یك مسؤولیت اجتماعی، افراد را به این کار ترغیب کنیم، آثار مبارك آن را در آینده خواهیم دید. مدرسه‌سازی در کشورمان در سال‌های اخیر رونق چشمگیری داشته و می‌بینیم نسبت به کشورهای دیگر چقدر رشد کرده ایم. این باعث افتخار ماست که مدرسه‌سازی علاوه بر رونق آموزش موجب از بین رفتن بسیاری از آسیب‌های اجتماعی می‌شود. امیدوارم روزی برسد که هیچ دانش‌آموز بازمانده از تحصیلی در کشور وجود نداشته باشد، چون براین باورم هر دانش‌آموز بازمانده از تحصیل، تهدیدی برای جامعه است. این خطر البته مسؤولیت همه ما را افزایش می‌دهد تا در حد وسع خویش حتی با اهدای یك کتاب یا قلم، هم به رشد فرهنگی جامعه کمك کنیم و هم بخش عظیمی از لازم‌التعلیم‌های بازمانده از تحصیل را به کلاس‌های درس برگردانیم.

نسل خیرین مدرسه‌ساز ۲۰ سال است که رسما در ایران متولد شده و این نسل سال به سال تکثیر می‌شود و امروز باید نوشت جمعیت‌شان ۶۵۰ هزار نفر است

یادی از خیران خوشنام

از ۶۵۰ هزار خیر مدرسه‌سازی که از بین همه کارهای خیر دنیا مدرسه‌سازی را انتخاب کرده اند عده‌ای ترجیح می‌دهند گمنام بمانند و اسمشان جایی درز نکند، عده‌ای نیز ای بابایی می‌گویند و به این طریق کارشان را کوچك جلوه می‌دهند که رسانه‌ها کمتر سراغشان بروند و مثل گروه اول بی نام و نشان بمانند. عده‌ای اما نامشان سر زبان هاست، مردان و زنانی که نخواسته اند ولی از خوش روزگار سرشناس شده‌اند. یکی از این آدم‌ها حاج اکبر ابراهیمی است. موسس یك دارالایتام برای کودکان بی سرپرست و سازنده ۱۱۰ مدرسه در سراسر کشور.

نفر بعدی دکتر عباس مصلی‌نژاد است که برای بچه‌های ایران تا به حال ۷۲ مجتمع آموزشی ساخته است. حاج محمد تقی‌زاده نیز که جزو خانواده‌های شهداست تاکنون ۳۷ مدرسه در سراسر ایران ساخته و مهندس جواد موفقیان، خیری است مقیم کانادا و تا امروز ۲۵ واحد آموزشی ساخته که بیشترینش برای دانش‌آموزان استثنایی بوده است. بجز این خیران، جا دارد از هما علیانی بنویسیم که معلمی بازنشسته است و با همه پس اندازش مدرسه‌ای به نام همسر مرحومش ساخته، همچنین بنویسیم از شکیبا خدیر که آرزوی پدرش را برآورده کرده و با این نیت مدرسه‌ای ساخته. فرزندان زنده یاد بدری برهانی نیز از آن جنس خیران متفاوتند که پس از فوت مادرشان که خود از خیران مدرسه‌ساز بود بیشتر اموالشان را وقف مدرسه‌سازی کردند.

اما باید پررنگ نوشت که در ایران غلامرضا رایضی هست که دیه پسر مرحومش را صرف مدرسه‌سازی کرد و مدرسه مورد نظر را درست در همان جایی ساخت که پسر تصادف کرده بود. محمدعلی مسعودیان نیز مثل او دیه پسرش را بخشید تا مدرسه‌ای در گوشه‌ای از ایران ساخته شود. اما بشنوید از حاج علی زرگر کاشانی که خودش مستاجر است چون دارایی اش را صرف مدرسه‌سازی کرده است.

گفت‌وگو با افسانه سعیدتهرانی
یکی از رکورددداران مدرسه‌سازی در ایران

مدرسه‌سازی پشیمانی ندارد

تواضعِ خیران مدرسه‌ساز و اصرارشان به گمنام ماندن، گفت‌وگو با آنها را سخت می‌کند، آنهایی هم که تن می‌دهند به مصاحبه‌های خبری، دوست ندارند اسم و تصویرشان منتشرشود. پس خبرنگار می‌ماند و شگردِ اصرار و اصرار که گاهی جواب می‌دهد. مصاحبه با افسانه سعید تهرانی، بانویی که یکی از رکورددداران مدرسه‌سازی است ازاین جنس گفت‌وگوها بود، خیری که حتی دلش نمی‌خواست تایید کند تا به حال درسراسر ایران ۵۰ مدرسه ساخته است. او درگفت‌وگو با ما از مدارسی گفت که حال و روزشان آن‌قدرخراب بوده که او را منقلب کرده و درعوض ازمدارسی گفت که به همت خیران نونوار شده اند ولی با یك تصمیم اشتباهی متروك مانده‌اند. او برایمان گفت مدارس این چنینی همیشه اشك به چشم‌هایش می‌دوانند.

شما یکی ازبانوان رکورددار مدرسه‌سازهستید. گفته می‌شود تا به حال ۵۰ مدرسه درسراسرکشور ساخته‌اید.

از عددها بگذریم چون زیاد مهم نیستند. مهم این است مدارسی ساخته شده که فضای خوبی برای درس خواندن بچه‌ها فراهم کرده است.

چند سال است مدرسه می‌سازید؟

حدود ۲۰ سال.

ورودتان به این حوزه علت خاصی داشت؟

پدرمرحومم وصیت کرده بود تا ثلث مالش صرف امورخیریه شود به‌خصوص مدرسه‌سازی. همزمان با خانم نیزاری هم آشنا شده بودم که این درگرایش مان به سمت مدرسه‌سازی بسیار موثر بود.

شما اهل تهران هستید و اولین مدرسه را درچهارمحال و بختیاری ساختید. این انتخاب علت خاصی داشت؟

علتش این بود که به ما گفتند وضع مدارس در این منطقه خیلی بد است. در بازدیدی که داشتم نیز خودم دیدم دانش‌آموزان در محل نگهداری حیوانات درس می‌خوانند. بنابراین پیشنهاد ساخت مدرسه دراین منطقه را قبول کردم و یك مدرسه مشارکتی ۹ کلاسه و دخترانه ساخته شد.

اسم مدرسه را چه گذاشتید؟

مدرسه حسین سعید تهرانی به نام مرحوم پدرم.

دراین سال‌ها به آن مدرسه ودانش‌آموزانش سر هم زده‌اید؟

به علت مشغله‌های زندگی نتوانستم سر بزنم ولی با مدیرمدرسه چندین بارتماس داشتم و می‌دانم که به لطف خدا بچه‌ها درمحیطی مناسب درحال تحصیل هستند.

بین اولین مدرسه‌ای که ساختید با مدارس بعدی فرقی بود؟ از نظر احساسی می‌گویم.

ساخت اولین مدرسه یك مقدار با ترس و نگرانی و البته احتیاط همراه است، چون نمی‌دانی واقعا پول در راه درستش خرج می‌شود یا نه، یا این که کارخوب از آب درمی‌آید یا خیر. اما خدا را شکر، هم ساخت مدرسه اول و هم مدارس بعدی خوب پیش رفت و مشکلی نداشت.

برخی تصور می‌کنند برای مدرسه‌سازی حتما باید آدم پولداری بود. شما خانم ثروتمندی هستید؟

بگذارید این‌طور بگویم دارایی ما بسیار برکت داشت. هرقدر جلو می‌رفتیم به خاطر اشتیاقی که پیدا کرده بودیم از مال خودمان هم خرج می‌کردیم. به نظرم وقتی نیت خیر باشد خدا خودش کمك می‌کند. پول خرج کردن برای مدرسه‌سازی پشیمانی ندارد. بعضی وقت‌ها کاری می‌کنی و بعد فکر می‌کنی اگر این کار را انجام نمی‌دادی هیچ اتفاقی نمی‌افتاد اما دربحث مدرسه‌سازی نیازها جدی است. این که بچه خودت در بهترین مدرسه درس بخواند و بچه‌های مردم درفضاهایی که دور از شأن آنهاست، آدم را آزار می‌دهد.

شما گفتید بچه‌هایی را دیدید که درطویله درس می‌خواندند. آیا بدتر ازاین راهم دیده‌اید؟

پارسال به مدرسه‌ای درگومیشان استان گلستان رفتم که کف آن کنده شده بود و آجرهایش با کوچك ترین اشاره دست بیرون می‌آمد. آنجا لازم نبود زلزله قوی بیاید بلکه با ضعیف‌ترین زمین لرزه سقفش آوار می‌شد. بچه‌هایی که دراین قبیل مدارس درس می‌خوانند عزیز دل خانواده‌هایشان هستند و اگرخدای نکرده سقف روی سربچه‌ها بریزد، چطور می‌توانیم خودمان را ببخشیم. بنابراین معتقدم مردم و خیران باید همت کنند چون دولت به تنهایی قادر به ساخت مدارس ایمن و استاندارد نیست.

همیشه گفته می‌شود که ساخت مدرسه یك چیز است و نگهداری از مدرسه یك چیز دیگر. نظر شما چیست؟

من هم نگهداری از مدارس را بسیار مهم می‌دانم. معتقدم دانش‌آموزان و خانواده‌ها باید وارد حوزه نگهداری مدارس شوند. بچه‌ها را باید در نگهداری از مدارسشان مشارکت داد، چه اشکالی دارد بچه‌ها در و دیوارها را رنگ بزنند و آشغال‌ها را جمع کنند. اگر مدیر مدرسه یك آشغال را از روی زمین بردارد بچه‌ها یاد می‌گیرند و دیگر در مدرسه یا خارج از مدرسه زباله نمی‌ریزند. اینها فرهنگ‌سازی است، فقط ساختن مدرسه مهم نیست.

مدارسی که خودتان ساخته‌اید سرحال‌اند؟

بله تا جایی که می‌دانم سرپا هستند، فقط متاسفانه یك مدرسه استثنایی در ایلام ساختیم که دانش‌آموز خوبی جذب نکرد ولی از وضعیت بقیه مدارس راضی هستیم.

یعنی مکان‌یابی برای ساخت مدرسه اشتباه بود؟

بله به ما اطلاعات دقیقی از جمعیت دانش‌آموزان استثنایی که این مدرسه می‌تواند جذب کند، ندادند. متاسفانه یك مدرسه بزرگ ساخته شد که بعد دیدم فقط شش دانش‌آموز دارد. البته بعدها یك مدرسه راهنمایی به این مدرسه منتقل شد و دوباره در چرخه مصرف قرار گرفت اما خوب نیست این اتفاقات تکرار شود.

غیر از این مدرسه من در ایلام، مدرسه خیرساز دیگری را هم دیدم که فقط چهار دانش‌آموز داشت. درخراسان جنوبی هم یك مدرسه خیرسازعالی را در یك منطقه روستایی دیدم که به علت تخلیه روستا و کوچ اهالی به مسکن مهر، بدون دانش‌آموز مانده بود. غم انگیز این که این مدرسه دانش‌آموز نداشت و سایت مسکن مهر مدرسه نداشت. این مدرسه را که دیدم گریه‌ام گرفت، باید قدر این سرمایه‌ها دانست شود. بنابراین از مسؤولان تقاضا دارم با دقت در مکان یابی، مدارس را در جایی بسازند که امکان تخلیه جمعیت ندارد.